

## بررسی نگرش مردم نسبت به احزاب سیاسی در ایران

قاسم رضانی

دانشجوی دکتری علوم سیاسی

---

### چکیده

احزاب در یک جامعه می‌توانند به صورت مختلفی عمل نمایند. گاهی کارکردهای حزبی، خود را برای پیشرفت و آبادانی کشور و احترام به عقاید و افکار مردم قرار می‌دهند، گاهی هم ممکن است صرفاً به خاطر دست یابی به قدرت عمل کنند. همچنین احزاب سیاسی در تاثیرگذاری بر قدرت و ایفای نقش در عرصه سیاسی و اجتماعی حکومت‌های دموکراتیک و مردم سالاری نقش ویژه و مهمی دارند لذا نگرش مردم به احزاب، متأثر از کارکرد آنها در جامعه می‌باشد. این نوشتار به بررسی نگرش مردم نسبت به احزاب سیاسی پرداخته و همچنین تلاش نموده پیشینه و کارکردهای مختلف احزاب در کشور را توضیح دهد. این پژوهش کیفی و به روش کتابخانه‌ای انجام شده است.

**واژه‌های کلیدی:** نگرش مردم، احزاب سیاسی، ایران، پیشینه احزاب سیاسی، کارکرد احزاب.

---

## ۱- مقدمه

حزب، واژه‌ای عربی است که معادل آن در زبان فارسی "گروه" یا "دسته" است و در ادوار مختلف تاریخ به معانی متفاوتی به کار رفته است و در فرهنگ نامه‌های ادبی و سیاسی، تعاریفی متعدد درباره آن ارائه شده و در هریک از آن‌ها به وجهی از ابعاد مفهوم یاد شده پرداخته شده است (نقیب زاده، ۱۳۷۸: ۱۳). کاربرد مفهوم حزب به معنای یک گروه و دسته سیاسی، از اساس مفهومی مدرن است که در غرب به عنوان ابزاری برای مبارزه در عرصه‌های فعالیت سیاسی و کسب قدرت سیاسی به وجود آمد؛ بر این اساس، تعاریفی گوناگون درباره احزاب سیاسی شکل گرفته است که در ادامه به برخی از آن‌ها به طور خلاصه اشاره می‌شود.

طبق نظر موریس دوورژه، این سازمان‌ها (احزاب) گروه‌های بنیان یافته، منظم و مرتبی هستند که برای مبارزه در راه قدرت ساخته شده‌اند و منافع و هدف‌های نیروهای اجتماعی گوناگون را بیان می‌کنند و خود هم به درستی، وسیله عمل سیاسی آن به شمار می‌آیند. حزب سیاسی، عبارت از گروه یا سازمانی با عنوان و هویتی خاص است که می‌کوشد با معرفی نامزدهای مورد نظر خود، در انتخابات مختلف، قدرت را در دست گیرد. بر اساس این تعریف، احزاب از جمله مهم‌ترین سازمان‌های سیاسی نوین به شمار می‌روند که در دنیای کنونی تقریباً در همه کشورها وجود دارند (فاضلی و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۳۶). همچنین آستین روکان دانشمند نروژی، احزاب سیاسی را نتیجه شکاف‌های نهفته در متن جامعه می‌داند و ادامه می‌دهد که برای بررسی احزاب، قبل از پرداختن به سازمان یا کارکرد آن، باید شکاف‌های اجتماعی، ستیزها و تنازعات اجتماعی را که برخاسته از درون اجتماع هستند مورد بررسی قرار گیرد، زیرا احزاب ریشه در شکاف‌های موجود در اجتماع دارند (روکان، ۱۹۸۲: ۴۸). گتل نیز حزب سیاسی را چنین تعریف می‌کند: حزب سیاسی مرکب از گروهی از شهروندان کم و بیش سازمان یافته است که به عنوان واحد سیاسی عمل می‌نمایند و با استفاده از حق رأی خود می‌خواهند بر حکومت تسلط پیدا کنند و سیاست‌های عمومی خود را عملی سازند. مک آیور حزب سیاسی را گردهمایی سازمان یافته برای حمایت از برخی اصول یا سیاست‌ها که از راه‌های قانونی می‌کوشند حکومت را بدست گیرند، تعریف می‌کند (عالم، ۱۳۸۲: ۳۳۴).

لاپالومبارا و واینر، چهار خصوصیت را در رابطه با حزب مورد توجه قرار داده‌اند:

- دارای سازمانی مستمر و بادوام باشد و بتواند در فقدان بنیان گذارانش نیز به حیات تشکلاتی خود ادامه دهد؛
- دارای شعبه‌های محلی باشد و سازمان حزب در سطح کشور گسترده باشد؛
- رهبرانش در صدد به دست گرفتن قدرت باشند و بخواهند علاوه بر تأثیرگذاری بر نحوه اجرای قدرت، خود نیز در آن مشارکت مستقیم داشته باشند؛
- در صدد گسترش پایگاه مردمی خود باشند و بکوشند بر تعداد رأی دهندگان و هوادارانش بیفزایند.

پس می‌توان در تعریف حزب به عنوان یک تشکل هدف مند و مؤثر، از سویی به کارکرد و از طرف دیگر به اهداف آن‌ها نگریست و نهایتاً نحوه شکل گیری آن‌ها و نیز بادوام و موقتی بودنشان را مورد توجه قرار داد (اکبری، ۱۳۸۸: ۵۵). کلمه سیاست که در فارسی از کلمه عربی آن گرفته شده، به مفهوم رسیدگی به کار رعیت، اصلاح کار دنیا و آخرت مردم و تدبیر و اداره زندگی مردم و در اصطلاح به علم بررسی روابط قدرت و علم اعمال قدرت، مدیریت و توجیه و تسلیم زندگی اجتماعیانسان‌ها در مسیر حیات معقول است (مدنی، ۱۳۷۲: ۲۸۱). ژولین فروند در کتاب سیاست چیست، سیاست را چنین تعریف می‌کند: سیاست، فعالیتی اجتماعی است که با تضمین نظم در نبردهایی که از گوناگونی و ناهم‌گرایی عقیده‌ها و منافع ناشی می‌شوند، می‌خواهند به یاری زور، امنیت بیرونی و تفاهم درونی واحد سیاسی ویژه‌ای را تأمین کنند (فروند، ۱۳۸۴: ۲۱۳). بر اساس تعریف اخیر، سیاست فعالیتی است که در جامعه و در اثر اختلاف عقاید رخ می‌دهد و پیوند اساسی با قدرت و زور دارد.

باتوجه به تعاریف فوق می‌توان گفت، احزاب سیاسی از طریق اجرای کارکردهایی مانند انتقال خواسته‌های مردم به حاکمیت، تربیت نیروهای سیاسی برای اداره کشور و نهادمند کردن رقابت سیاسی قانونی در راستای تحقق توسعه سیاسی، نقش ایفا

می‌کنند؛ از سوی دیگر، دلایل متعدد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و عملکرد نخبگان سیاسی و حزبی در ناکامی احزاب سیاسی در اجرای نقش خود اثرگذارند (اشرفی، ۱۳۹۵: ۶۵).

احزاب شرط لازم دموکراسی هستند اما شرط کافی آن نیستند. باوجود این پیشینه، مردم و حتی نخبگان سیاسی و پژوهشگران، آگاهی اندکی درباره زمینه‌ها، ماهیت و کارکرد حزب در ایران دارند. به همین دلیل کمتر مطالعه و پژوهشی در این زمینه صورت گرفته است. این کمبود در تحقیقات پیمایشی و سنجش نگرش مردم درباره احزاب سیاسی بیشتر به چشم می‌خورد. این نوشتار با در نظر داشتن کارکردهای مختلف احزاب در کشور، سؤال اصلی خود را اینگونه مطرح نموده است: نگرش مردم نسبت به احزاب سیاسی ایران چگونه است؟

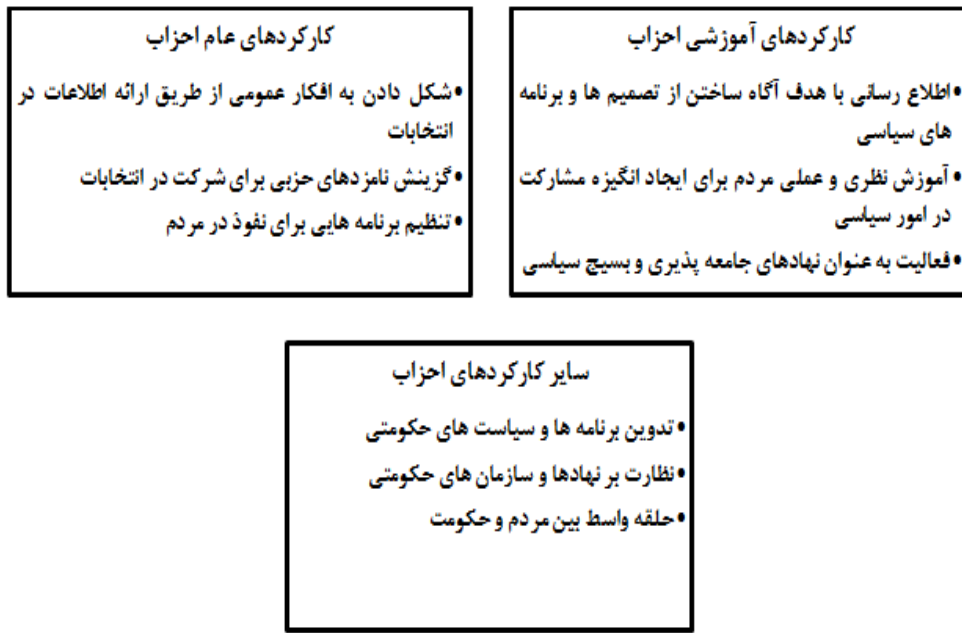
فرضیه پژوهش نیز متناسب با این پرسش اینگونه قابل ساماندهی است:

به نظر می‌رسد نگرش مردم در ادوار گذشته نسبت به احزاب سیاسی، با توجه به کارکردهای مثبت و منفی آن‌ها متفاوت می‌باشد. لذا این نوشتار در پی آن است نگرش مردم نسبت به احزاب سیاسی موجود در کشور را مورد بررسی قرار دهد.

## ۲- مبانی نظری

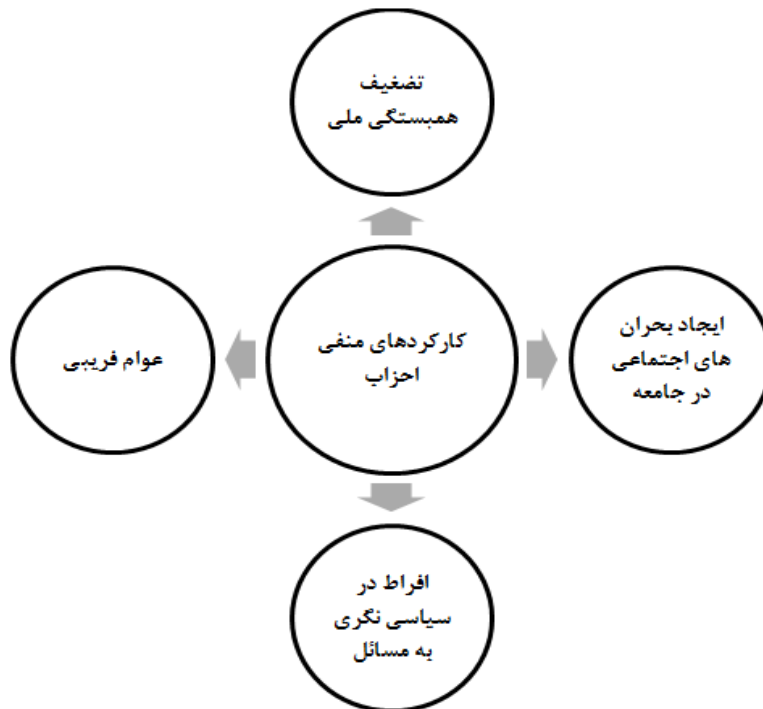
احزاب در نظام‌های مختلف سیاسی از کارکردهای متفاوتی برخوردار هستند، اما از یک منظر، کارویژه‌های احزاب، عمدتاً شبیه به هم است و بنابراین، در دو دسته اساسی تقسیم بندی می‌شوند که بخشی از این کارویژه‌ها، آموزشی و اجتماعی، و بخشی دیگر، کسب قدرت از طریق شرکت در انتخابات مختلف است. همچنین کینگ مرتن، دو دسته کارکرد آشکار و پنهان را برای احزاب در نظر می‌گیرد و کارکردهای آشکار آن را شکل دادن به افکار عمومی، معرفی نامزدها در انتخابات، و سازمان دادن به انتخاب شونده‌گان و اعمال نفوذ بر آن‌ها می‌داند و کارکردهای پنهان حزب را در برقراری پیوند روانی و مادی بین فرد و سیستم سیاسی، جذب افراد جدید و مدیریت منازعه می‌داند (حسینی، ۱۳۷۸: ۴۱).

احزاب سیاسی در صورت فراهم بودن شرایط ویژه و مناسب فرهنگی، اجتماعی و سیاسی پدید می‌آیند. رهبران و اعضای احزاب سیاسی با التزام به ایدئولوژی حزب که مجموعه‌ای از ارزش‌ها و اصول سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است ضمن آن که خود را از سایر احزاب متمایز می‌کنند، روش اداره جامعه توسط حزب خود را نیز به شهروندان نشان می‌دهند. به عبارت دیگر جامعه مدنی، باید به میزانی از رشد و پیچیدگی رسیده باشد تا زمینه پیدایش احزاب به عنوان نماینده منافع و علایق گوناگون فراهم شود (بیمه، ۱۹۸۵: ۱۰۲). در نظام‌های سیاسی مردم سالار، اولین کارکرد احزاب سیاسی، گزینش نامزدهای مناسب برای حضور در انتخابات مختلف به منظور کسب مناصب سیاسی و نیز هدایت مبارزات انتخاباتی است. همچنین احزاب سیاسی پس از پیروزی در انتخابات نقش عمده‌ای در تعیین افراد مورد نظر خود برای مناصب انتصابی در ساختار دولت ایفا می‌کنند. علاوه بر این احزاب سیاسی به منظور اجرای سیاست‌های مورد نظر خود نقش عمده‌ای در هماهنگی روزانه فعالیت‌ها و تصمیمات سیاسی رهبران و اعضای خود که در مناصب انتخابی و انتصابی دولت جا گرفته‌اند، بر عهده دارند. اصول احزاب این وظیفه را از طریق برگزاری مجامع عمومی و نیز ساختار رهبری فراکسیونی در مجلس اعمال می‌کنند. اگرچه احزاب سیاسی ممکن است در زمان انتخابات برای جذب آراء اعضا و هواداران خود شعارها و برنامه‌های مطلوب آن‌ها را مطرح کنند، اما پس از پیروزی در انتخابات احتمال دارد که ترجیحات احزاب به طور کامل با خواسته‌های حامیان آن‌ها مطابقت نداشته باشد (خواجه سروی، ۱۳۸۲: ۲۳۵). همچنین بخش قابل توجهی از مردم باید از لحاظ فرهنگی، اجتماعی و حتی اقتصادی آمادگی مشارکت در زندگی سیاسی رداشته باشند. به همین دلیل است که در جوامع سنتی، امکان پیدایش حزب سیاسی به مفهوم جدید آن امکان پذیر نمی‌باشد (لاپالومبارا و ونیز، ۱۹۶۶: ۴۹). جنبش‌های اجتماعی که بر اساس شکاف‌های گوناگون پیدا می‌شوند ممکن است حزب سیاسی مورد نظر را تأسیس کنند. برگزاری انتخابات مستمر و متعدد، وجود گرایش‌های گریز از مرکز و گریز از حکومت و فراهم بودن شرایط پذیرش احزاب مخالف در درون نظام حزبی موجب تعدد احزاب سیاسی در جوامع مختلف از جمله ایران می‌شود (بشیریه، ۱۳۷۵: ۱۲۶). با توجه به مطالب ذکر شده می‌توان گفت احزاب سیاسی در اجتماع دارای کارکردهای مختلفی می‌باشند که در قالب شکل (۱) ارائه شده است.



شکل ۱: کارکردهای احزاب سیاسی در اجتماع (لاپالمبارا و اندرسون، ۱۹۹۲: ۴۰۰)

باتوجه به ماهیت و کارکرد احزاب، برخی از صاحب نظران بر این باورند که احزاب سیاسی دارای آثار و نتایج منفی نیز هستند که مهم‌ترین آن‌ها در شکل (۲) ارائه شده است.



شکل ۲: مهم‌ترین کارکردهای منفی احزاب سیاسی در کشور (هانتینگتون، ۱۳۷۰: ۵۸۶ و روسکین، ۱۹۹۸: ۱۰۲)

بطور کلی می‌توان گفت احزاب سیاسی برای داشتن کارکردهای مثبت در اجتماع قبل از هر چیز نیاز به جامعه مدنی توسعه یافته و توانمند دارند. این در حالی است که در پیشینه تاریخی ایرانیان، به دلایل مختلفی وجود نظام سیاسی مستبد و مطلقه، تمرکزگرایی و دولت سالاری، و وجود دوره‌های طولانی بحرانی و ناامنی، ساختار اجتماعی و اقتصادی ناهمگون و توسعه نیافته، نهادهای مشارکتی مستقل و نیرومند، فرصت ظهور و تمرین دموکراسی نیافته‌اند و اساساً تجربه مشارکت‌های سیاسی فعالانه در نظام‌های قبل از انقلاب اسلامی، به دلیل فقدان مشروعیت سیاسی آن‌ها، وجود نداشته است و دولت‌ها بدون واسطه نهادهای برخاسته از متن جامعه یا با دولت سازی تشکلهای مانند احزاب، به کنترل، هدایت، سازمان دهی و به کارگیری نیروهای اجتماعی در جهت منافع خود اقدام نمودند و هرگونه داعیه مخالفت و دگراندیشی را بر نمی‌تافتند و با سرکوب مواجهه می‌نمودند.

### شکل گیری احزاب سیاسی

از دیدگاه لاپالمبارا موقعیت‌هایی موجبات پیدایش احزاب سیاسی را فراهم می‌سازند، که عبارتند از:

(الف) علاقه مندی جامعه به مسائل اقتصادی و مادی،

(ب) تمایل به تجمع و گردهمایی‌ها و حل مسائل هر چند کوچک با تجمع و رأی گیری،

(ج) گسترش ارتباطات که امروز از طریق تحصیل حاصل می‌شود زیرا عصر ما در موج ارتباطات و اطلاعات سیر می‌کند از طرف دیگر لاپالمبارا خصوصیات دیگر اجتماعی را نیز در تشکیل احزاب سیاسی مؤثر می‌داند که اهم آن‌ها عبارتند از سه بحران معروف تاریخی شامل:

بحران مشروعیت: بحران‌های جوامع مختلف در راه به دست آوردن ملیت خود که منجر به بحران در نظم اجتماعی سیاسی نوین برای احقاق مشروعیت و بر حق بودن آن می‌شود.

بحران هم‌گرایی: تضادهای آشتی ناپذیر و شدید در برابر نظم جدید که موجبات جدایی قلمروها را فراهم می‌سازد.

بحران مشارکت: بحران مشارکت در اثر بی‌تفاوتی شهروندان در برابر نظم جدید ایجاد می‌شود (همان، ۱۳۰).

### وظایف و مسئولیت‌های احزاب سیاسی به مردم

پرواضح است که احزاب سیاسی در کنار کارویژه‌ها و کارکردهای خود در اجتماع، نسبت به مردم دارای وظایف و مسئولیت‌های متعدد می‌باشند که در ادامه به مهمترین آن‌ها اشاره شده است:

(۱) شکل دادن به نظریه‌ها و اعتقادهای پراکنده افراد در قالب یک مرام و تئوری.

(۲) آشنا کردن مردم جامعه به حقوق، وظایف خود و ارتقای سطح دانش و آگاهی آن‌ها درباره مسائل اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و دایرکردن آکادمی‌های تحقیقی و آموزشی و رسانه‌ای.

(۳) تشویق شهروندان به مشارکت‌های سیاسی و اجتماعی و ایجاد باور در آن‌ها به مسئله حق رأی و تعصب به کاندیداهای حزب در انتخابات.

(۴) حمایت و دفاع از منافع شهروندان و جامعه در مقابل تجاوزها و قانون شکنی‌های عوامل دولتی و وادار کردن دولت‌ها به انجام مسئولیت‌های قانونی و اجتماعی و تعهدهای حزب به وعده‌های انتخاباتی.

(۵) سوق دادن نیروهای اجتماعی پراکنده به نیروهای جمعی و گروهی و جایگزین کردن حزب به جای افراد.

(۶) انجام پژوهش‌های علمی درباره مشکلات و مسائل اجتماعی و ارائه برنامه‌های علمی و کاربردی.

(۷) ایجاد کنونی برای حل و فصل اختلافات گروه‌ها از طریق مسالمت آمیز (مذاکره به جای خشونت).

(۸) پرورش رهبران سیاسی آینده برای کشور به عنوان مهمترین وظیفه حزب (پیشه ور، ۱۳۸۵: ۱۲۲-۱۲۱).

### بدبینی و ناآگاهی عمومی نسبت به جایگاه احزاب سیاسی

افزایش معلومات و بالا بردن سطح سواد و تحصیلات عموم مردم در جامعه امروز، موضوعی مختص دو سه دهه اخیر تاریخ معاصر ایران است و این واقعیت دارد که بعد از انقلاب اسلامی، بینش و توجه سیاسی عموم مردم بالا رفته است اما در دهه‌های گذشته و با توجه به وارداتی بودن پدیده حزب و ادبیات سیاسی مربوط به آن، اقشار عظیمی از جامعه نسبت به جایگاه احزاب

و گروه‌های سیاسی و سامان دهی و بهینه سازی ساختار سیاسی کشور بی اطلاع بودند و حتی بسیاری از افراد تحصیلکرده و آگاهان سیاسی نیز نسبت به تأثیر آن در ترقی کشور تردید داشته‌اند که این بی اطلاعی و تردیدها هنوز نیز در بخش‌هایی از عوام و خواص طبقات اجتماعی وجود دارد و بخشی از بدبینی‌های جامعه نسبت به احزاب سیاسی، از همین عدم آگاهی و تردیدها ناشی می‌شود. از دلایل دیگر این بدبینی‌های تاریخی عموم مردم نسبت به احزاب می‌توان فقدان همسویی عملکرد احزاب با سنن، آداب و اعتقادات عمومی و مذهبی، وابستگی به بیگانه‌ها و نظام‌های مستبد داخلی و... اشاره نمود. عامل دیگر این بدبینی‌ها نیز عدم پیوند واقعی با مردم و مطالبات آن‌ها می‌باشد (اخوان کاظمی، ۱۳۸۶: ۲۰-۱۹).

### دیدگاه مردم نسبت به احزاب دستوری و وابسته به دولت

بسیاری از احزاب ایران در سده اخیر، دستوری و دولت ساخته بوده‌اند. این احزاب به دلیل غیرمردمی بودن، خودجوش نبودن، نداشتن پایگاه مستقل و طی نکردن فرآیند تشکیل از پایین به بالا انحرافی اساسی در مسیر تحزب واقعی در ایران به وجود آورده و موجبات بی اعتمادی و بدبینی بیشتر مردم را به احزاب فراهم ساخته‌اند. احزاب دستوری عمدتاً در تاریخ صد سال اخیر ایران در سه قالب ظاهر شده‌اند:

- احزابی که متکی به یک شخصیت بوده و بر محور فردی شکل گرفته‌اند،

- احزابی که با سفارش نظام حاکم توسط کارگزاران سرشناس رژیم به وجود آمده‌اند،

- احزابی که بنا بر شرایط ویژه سیاسی پدیدار شده و به عبارتی احزاب واکنشی‌اند.

احزاب دستوری یا فرمایشی که احزاب دولت ساخته نیز جزء آن‌هاست، به آن دسته از احزابی گفته می‌شود که ریشه‌های عمیق اجتماعی ندارند و بر حسب انگیزه فردی، طبقاتی یا خارجی به وجود آمده‌اند. اینگونه احزاب فاقد تشکیلات منسجم حزبی هستند و ایدئولوژی مدونی ندارند. این احزاب را از آن جهت دستوری می‌نامند که پایه‌های آنان طبیعی نبوده و از بطن شرایط اجتماعی سرچشمه نگرفته است به همین دلیل مورد تأیید اجتماع واقع نمی‌شوند (قاضی مرادی، ۱۳۸۵: ۵۴).

### تأثیرگذاری احزاب بر منتخبان

احزاب، کار دیگر خود را در تأثیرگذاری بر انتخاب شوندگان از طریق حضور در پارلمان و یا به صورت‌های دیگر در خارج از پارلمان جست و جو می‌کنند؛ به گونه‌ای که اولاً، بین نمایندگان طرف دار خود، ایجاد نظم و هماهنگی می‌کنند تا در راستای فعالیت‌ها و منافع حزبی قرار گیرند و ثانیاً، بر دیگر نمایندگان نیز تثیر می‌گذارند تا در مواقع لازم از آرای آن‌ها نیز استفاده کنند. اما کارویژه‌های آموزشی احزاب سیاسی عبارتند از:

اطلاع رسانی: این عمل به منظور تأیید تصمیمات دولت و یا نقد و نفی تصمیمات دولت انجام می‌گیرد که عمل تأیید، معمولاً در نظام‌های یک حزبی و عمل نقد در نظام‌های چند حزبی انجام می‌گیرد.

آموزش توده‌ها برای مشارکت سیاسی: این کارکرد احزاب از مهم‌ترین فعالیت‌ها محسوب می‌شود که علاوه بر فعالان درون احزاب، می‌تواند توده‌های غیر عضو را نیز با آموزش‌هایی درگیر کرده و در زمان انتخابات، مردم را به سمت شرکت فعال بکشاند.

جامعه پذیری: اگر یکی از مهم‌ترین وظایف دولت‌ها را جامعه پذیر کردن افراد و انتقال مفاهیم بدانیم، احزاب سیاسی نیز می‌توانند این کارکرد را به نحو مؤثری انجام دهند و در سطوح مختلف فردی، گروهی و جمعی به این مهم دست بزنند (اکبری، ۱۳۸۸: ۵۷).

### کارویژه‌های احزاب سیاسی

کارویژه‌ها و کارکردهای احزاب واقعی، همواره موجب ثبات سیاسی و امنیت در هر نظام سیاسی است. یکی از کلانترین و بهترین نگرش به کارکرد احزاب، نگرش سیستماتیک ساختاری کارکردی است این نگرش در دهه ۱۹۶۰ وارد علوم سیاسی شد مدافعانی چون گابریل آلموند، جیمز کلمن و بیتگام پاول یافت. از این دیدگاه حزب به منزله یک فرد از سیستم اصلی نظام سیاسی و اجتماعی عمل می‌کند و با ایفای نقش جعبه سیاه دارای درون دادها و برون دادها و بازخور است. داده‌ها یا درون دادها، حاوی مجموعه اطلاعات و خواسته‌های انتقالی به درون حزب است و یافته‌ها و برون داده‌ها عبارتند از کلیه تصمیم‌ها،

مقررات، شعارها، موضع گیری‌ها، خواهش‌ها، جهت گیری‌ها، تاکتیک‌ها، راهبردها و... که از جعبه سیاه (حزب) خارج شده و در اختیار جامعه، دولت و سایر نهادهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی قرار می‌گیرد. باز خورد هم عبارت است از بازتاب آن دسته از یافته‌ها که دوباره به صورت داده‌ها وارد جعبه سیاه شده و به صورت یافته‌های جدید از آن بیرون می‌آیند که در این نقش تعبیر و تفسیر داده‌ها صورت می‌گیرد. بنابراین حزب ماشینی است که مسائل را از سطح جامعه جمع آوری کرده و پس از تحلیل و دسته بندی به نهادهای تصمیم گیری (دولت، مجلس و...) عرضه می‌دارد (اخوان کاظمی، ۱۳۷۸: ۱۰۴-۱۰۳). لذا می‌توان برخی از کارویژه های احزاب سیاسی را اینگونه بیان کرد:

- ایجاد سرمایه اجتماعی: سرمایه اجتماعی به تمامی منابع نرم و هنجارهایی گفته می‌شود که در حمایت از سیاست‌های کلان دولت شکل می‌گیرند. مهم‌ترین شاخص سرمایه اجتماعی، میزان اعتماد مردم به حاکمان و مشارکت عمومی در سیاست گذاری‌ها و تصمیم گیری‌های کلان است. فرانسویس فوکویاما هم که کارکرد سرمایه اجتماعی را تسهیل همکاری و مشارکت گروهی برای تحقق اهداف و منابع فردی و جمعی و کمک به توسعه اقتصادی- سیاسی و فرهنگی می‌داند، این سرمایه را مجموعه هنجارهای موجود در نظام‌های اجتماعی دانسته که ارتقای سطح همکاری اعضای آن جامعه و پایین آمدن سطح هزینه‌های تبادلات و ارتباطات را سبب می‌شود (فوکویاما، ۱۹۹۵). احزاب سیاسی نیز یکی از دستاوردهای نوین و مهم قرن نوزدهم هستند و از جمله نهادهای مدنی مرتبط با قدرت و حکومت به شمار می‌روند. هرچند که احزاب سیاسی، دارای چهره‌های دوگانه‌اند، به منازعات قانونی در چارچوبی که برای آن‌ها تعیین شده است، کمک می‌کنند و امکان اظهارنظر در مباحثه‌های عمومی (مانند ابراز عقیده) را فراهم می‌کنند و درعین حال، ابزاری مناسب برای کنترل منازعات سیاسی تلفی می‌شوند گاهی نیز، نقش متعادل کننده اوضاع مخدوش جامعه را به عهده می‌گیرند؛ اما یکی از ویژگی‌های احزاب سیاسی، این است که می‌توانند به شکل شعبات محلی و منطقه‌ای توسعه یابند و در نتیجه، اعضای بیشتری از جامعه می‌توانند در آن‌ها عضو شوند و با توجه به ویژگی‌های گروه، این عضوگیری نوعی "نظارت اجتماعی" را به وجود می‌آورد که در ذات خود، منبع سرمایه اجتماعی محسوب می‌شود؛ از طرف دیگر، همه احزاب سیاسی موجود در یک جامعه به دلیل آنکه رابط میان دولت و ملت هستند، نقشی بسزا در حفظ امنیت ملی دارند؛ درواقع، احزاب، با ایجاد اعتماد و وفاداری و حفظ ارزش‌های ملی و مذهبی، می‌توانند حکومت و ملت را در رسیدن به آرمان‌های خود یاری کرده، از انحراف حکومت جلوگیری کنند. در کشورهایی که نظام حزبی جا افتاده‌ای دارند، احزاب سیاسی، در جایگاه حلقه پیوند میان منافع اجتماعی و نهادهای تصمیم گیری سیاسی عمل می‌کنند (بشریه، ۱۳۷۶: ۱۲۲).

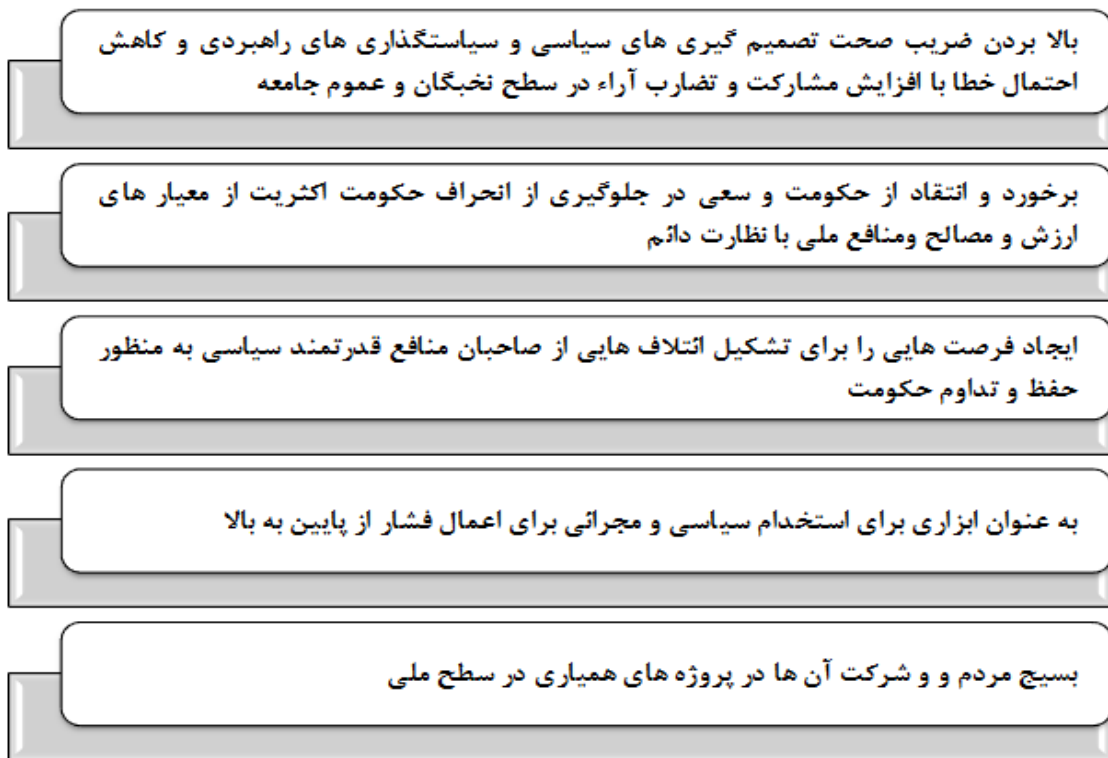
- افزایش انسجام ملی: احزاب سیاسی، به تعبیری، پل ارتباطی میان جامعه و حکومت به شمار می‌روند؛ در این خصوص، نویمان نیز وظیفه اصلی یک حزب اصیل سیاسی را انجام این مهم می‌داند که علایق و سلیق مجزا از هم و انفرادی افراد را به سوی توافق و انطباق، با کلیت اجتماع تقویت سازد تا افراد با شرکت در نظم عمومی و تشکلهای سیاسی، بنای ایجاد آگاهی سیاسی یک ملت و شهروندان سیاستمدار آن کشور را شالوده ریزی کنند. احزاب سیاسی از این نظر که یک پا در جامعه و یک پا در دولت دارند، در میان اجتماع، دارای موقعیتی منحصر به فردند (اشرفی، ۱۳۹۵: ۶۹).

- افزایش اعتماد عمومی: پاتنام با تفکیک دو نوع اعتماد شخصی (عمقی) و اعتماد اجتماعی (گسترده)، اعتماد اجتماعی را برای جامعه، سودمن دتر می‌داند. از نظر وی، اعتماد، همکاری را تسهیل می‌کند و هرچه سطح اعتماد در یک جامعه بالاتر باشد، احتمال همکاری هم بیشتر خواهد بود. عضویت داوطلبانه مردم در احزاب سیاسی و انجمن‌ها و همچنین، ارتباط اجتماعی غیررسمی می‌تواند، اعتماد مردم به یکدیگر، گفتگو درباره مباحث مورد علاقه یا مرتبط با جامعه و جمع شدن اعضای گروه برای یک اقدام جمعی را سبب شود؛ در اینجا هدف از پیوستن به احزاب سیاسی نیز، همکاری و روابط متقابل با افراد و شهروندانی است که دارای ارزش‌هایی شبیه ماهستند؛ بنابراین، عضویت در احزاب برای تقویت جزء به جزء افراد و اعتماد به گروه های بیرونی، مناسب است.

- افزایش مشارکت سیاسی: سازوکار مهم دیگری که احزاب برای افزایش همبستگی و انسجام ملی به کار می‌برند، عضوگیری از مردم و جذب نخبگان است. احزاب می‌توانند با وارد کردن مردم و نخبگان به مشارکت و حضور در انتخابات، حس تعلق را

نسبت به نظام سیاسی در آن‌ها به وجود آورند؛ همچنین خواهند توانست با انجام چنین کارویژه‌هایی، بیگانگی و جدایی مردم از نظام سیاسی را از میان برده، با ایجاد مشروعیت برای نظام سیاسی به استحکام ملی کمک کنند (مسعودنیا و نجفی، ۱۳۹۰: ۱۱۸-۱۱۹).

یکی از بارزترین کارکردهای احزاب سیاسی، تشویق مردم به رأی دادن است. در جریان مبارزات انتخاباتی، احزاب از طریق تبلیغات و ابزارهای مختلف تلاش می‌کنند تا مردم را به پای صندوق‌های رأی گیری بکشانند. در با ب نقش احزاب در مشارکت سیاسی، به عنوان یکی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی، این نکته مطرح است: در انتخاباتی که همراه با احزاب برگزار می‌شود، سازوکاری برای بسیج سیاسی در چارچوبی نهادی فراهم می‌آید؛ به عبارت دیگر، یکی از نقش‌ها و کارکردهای مهم احزاب سیاسی، آموزش دادن به اعضا درباره نحوه مشارکت در فعالیتهای سیاسی و اجتماعی است تا از این طریق آنان را به سرنوشت جامعه خود علاقه مند ساخته، میزان خودپذیری اجتماعی یا جامعه پذیری سیاسی آنان را افزایش دهد (اشرفی، ۱۳۹۵: ۷۰). بطور کلی مهمترین کارکردهای احزاب سیاسی از دیدگاه کلاپاسمیت به پنج قسمت تقسیم می‌شود:



شکل ۳: مهم‌ترین کارکردهای احزاب سیاسی (کلاپاسمیت، ۱۳۸۰: ۳۰۶-۳۰۵)

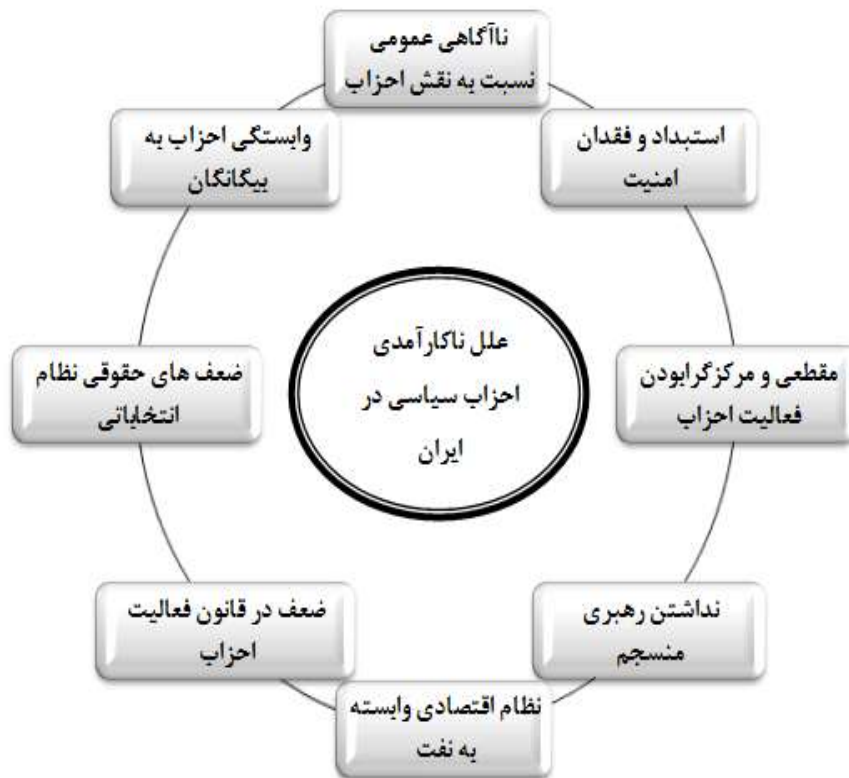
### علل ناکارآمدی احزاب سیاسی در ایران از دیدگاه مردم

از دیدگاه بسیاری از مردم و نویسندگان احزاب سیاسی در ایران، تحت تأثیر علل تاریخی- ساختاری، اقتصادی، حقوقی و قضایی، فرهنگی و عملکردی با ناکارآمدی، مواجه شده‌اند؛ در این راستا، آن‌ها استبداد، فقدان امنیت، بدبینی و ناآگاهی عمومی نسبت به نقش احزاب، وجود احزاب دستوری، وابستگی احزاب به بیگانگان و ایدئولوژی‌های الحادی، نظام اقتصادی وابسته به نفت، مشکلات اساسی احزاب در تأمین مالی، ضعف‌های حقوقی نظام انتخاباتی کشور، ضعف موجود در قانون فعالیت احزاب، مشکلات موجود در فرهنگ سیاسی ایران، عملکرد گروه‌ها و نهادهای بدیل احزاب، عملکرد نخبگان، مقطعی و مرکزگرابودن فعالیت احزاب، تفرقه و انشعاب‌های مکرر، ضعف در تربیت سیاسی و ... در ناکارآمدی احزاب سیاسی را در ایران می‌دانند (اخوان کاظمی، ۱۳۸۸: ۱۷۹). به طور تقریبی، عواملی شبیه علل یادشده در اثر نویسنده‌ای دیگر نیز مطرح شده است و



مسائلی مانند نداشتن رهبری منسجم، مبهم بودن اهداف و برنامه‌ها یا عدم وجود برنامه‌های عملی مشخص، دقیق و عملیاتی، عدم استقلال مالی، تقلیدی بودن و نداشتن استقلال فکری برای حرکت و برنامه ریزی در جهت اصلاح شرایط و تحولات منطبق با اصول و ارزش‌های مورد قبول ملت مسلمان ایران در نظام جمهوری اسلامی، فعالیت مقطعی و محدود به دوران‌های برگزاری انتخابات، وجود پدیده انشعاب در احزاب و گروه‌ها، ایجاد ائتلاف‌های مقطعی برای کسب قدرت مقطعی و زودگذر مشکلات موجود در راه کارآمدی احزاب سیاسی ایران بیان شده‌اند (عیوضی، ۱۳۸۵: ۲۴۳).

از دیدگاه مردم، حزب جمهوری اسلامی نیز به رغم کارکردهای بسیار مثبت و نقش سازنده در تثبیت انقلاب اسلامی و نهادهای آن، سازماندهی نیروهای سیاسی معتقد به ولایت فقیه در ساختار سیاسی جمهوری اسلامی، تربیت نیروهای متخصص سیاسی لازم برای اداره کشور، پاسخگویی به شبهات وارد شده به ساختار و اهداف جمهوری اسلامی از سوی مخالفان این نظام و سایر اقدام‌های مثبت آن حزب؛ به دلایلی مختلف، مانند بسیاری دیگر از احزاب سیاسی ایران به برخی از مشکلات و عوامل ناکارآمدکننده یادشده مبتلا شد و در رسیدن کامل به اهداف طراحی شده خود ناکام ماند (اشرفی، ۱۳۷۰: ۷۱). در شکل (۴) علل ناکارآمدی احزاب سیاسی از دیدگاه مردم بیان شده است.



شکل ۴: برخی از علل ناکارآمدی احزاب سیاسی در ایران از دیدگاه مردم (اخوان کاظمی، ۱۳۸۸: ۱۷۹ و عیوضی، ۱۳۸۵: ۲۴۳)

### شکل‌گیری و پیشینه احزاب سیاسی در ایران

حزب در ایران به شکل امروزی و مدرن قدمتی بیش از صد سال ندارد اما در دوران قدیم شاهد احزاب نظامی که پی مقاصد نظامی بودند همچو سرداران در ایران هستیم. حزب در ایران بعد از انقلاب مشروطیت پا گرفت و احزاب به صورت علنی و رسمی خود را به جامعه ایران معرفی کردند. در دوران استبداد مطلقه ناصرالدین شاه، شاهد شکل‌گیری انجمن‌های مخفی هستیم که در گروه‌های دوازده تا پانزده نفری تشکیل شده و به صورت دوره‌ای در منازل اعضا منعقد می‌شدند. در واقع علت تشکیل این انجمن‌ها در پی سفرهای مأمورین، سفراء، محصلین و مترددین به اروپا و مشاهده نوع و شیوه حکومت در آن قاره

بود که خواستار اصلاحات و در کل بهبود شرایط کلی کشور از سوی این طیف بود (باقری خوزانی، ۱۳۸۳: ۱). در دوره مشروطیت احزاب، شبه احزاب و گروه‌های سیاسی کوچک بسیاری تشکیل شدند که با مردم و طبقات مختلف جامعه رابطه و تعاملی ضعیف داشتند. در مقابل انجمن‌های سنتی هنوز هم به مردم نزدیک‌تر بودند و مردم نیز از آن‌ها استقبال بیشتری می‌کردند. زیرا این انجمن‌ها با سنت‌ها و باورهای اجتماعی و فرهنگ مردم سازگارتر بودند و از سوی دیگر اختلاف دیدگاه‌های میان احزاب موجب بدبینی مردم می‌باشد. به طور کلی از ویژگی‌های دوران مشروطیت، آشنایی ایرانیان با مدرنیسم و لیبرالیسم و انتقال جنبه‌هایی از ویژگی‌های نظری آن به ایران بود، اما حضور دولت مرکزی خودکامه در این جامعه از یکسو و ضعف بورژوازی بویژه بورژوازی صنعتی از دیگر سو باعث شد که لیبرالیسم و ویژگی‌های جامعه مدرن نتواند در این جامعه پا بگیرد لذا اگر چه احزاب برای اولین بار در زمان انقلاب مشروطیت شکل گرفتند ولی همانطور که نهاد مشروطیت نتوانست در ایران پایه محکمی پیدا کند، احزاب نیز با سرنوشت مشابهی روبرو شدند (علمداری، ۱۳۸۵: ۳۱). از اواخر سال ۱۳۵۶ که فرضیه پیروزی انقلاب اسلامی مطرح شد، افراد و تشکل‌های زیادی با توجه به شرایط موجود یعنی آزادی‌های نسبی فراهم آمده، برای کسب امتیاز و قدرت بیشتر موجودیت خود را اعلام و فعالیت خود را آغاز کردند. این روند تا اوایل سال ۱۳۶۰ ادامه یافت و باوجود پیروزی انقلاب اسلامی، احزاب و گروه‌های سیاسی برای کسب قدرت همچنان به فعالیت و مبارزه خود ادامه دادند. در این سال‌ها تنها حزب قانونی و رسمی کشور که فعالیت سیاسی داشت، حزب جمهوری اسلامی بود (اداره کل تشکل‌های سیاسی کشور، ۱۳۸۷).

بعد از سال ۱۳۷۷ احزاب در ایران وضعیت جدیدی پیدا کرده و پس از پشت سر گذاشتن دوران‌های مختلف به وضعیت بلوغ و تاثیرگذاری رسیدند؛ از این رو، در این دوران، احزاب و گروه‌های سیاسی متعدد و متنوع رشد کردند و نقش نسبتاً فعالی نیز در عرصه سیاسی-اجتماعی کشور ایفا کردند؛ گرچه همچنان، عرصه مهم و اساسی تجلی نقش احزاب در انتخابات دیده می‌شود، اما در دیگر زمینه‌ها نیز فعالیت‌هایی را به ثمر رساندند. احزاب که در دوره گذشته، وضعیت قاعده مندی خود و جوانه زنی را پشت سر گذاشته بودند امکان حضور قدرتمند و در عین حال، هوشمندانه حزبی یافتند. انتخابات سال ۷۶ میدان رقابت بسیار پررنگ حزبی در ایران بود که با تمام توان از سوی گروه‌های سیاسی دنبال شد و فضای با نشاطی را برای مردم جهت شرکت در آن فراهم ساخت و همچنین صحنه خوبی برای هم آورد طلبی احزاب و به ویژه، احزاب و گروه‌های جدید سیاسی بود. در این انتخابات که نهایتاً دو طیف چپ و راست و یک طیف مستقل رقابت می‌کردند، رقابت اصلی بین دو طیف چپ و راست یا محافظه کار و اصلاح طلب بود که با تفاوت‌های بیشتر مثل تساهل و تسامح، و از طرف دیگر، تاکید بر اصول اسلامی رقابت می‌کردند. احزاب اصلاً ح طلب و اصول گرا پس از پشت سر گذاشتن وقایع مجلس هفتم، پیگیر ریاست جمهوری آتی بودند که از اوایل سال ۸۳ به آن واکنش نشان دادند و در پی معرفی کاندیداهای خود بودند که عملاً هر دو جناح در این دو دوره دچار انشعاب شده و از هر جریانی، چند کاندیدای جدی و با حمایت حزبی وارد عرصه رقابت‌ها شد. بر اساس مباحث ذکر شده، دو جریان سیاسی کشور به مثابه دو حزب گسترده بر اساس اختلاف نظر در موضوعات مختلف، مانند سیاست خارجی و نحوه برخورد با آمریکا، اقتصاد و گسترش خصوصی سازی، نقش و اختیارات برخی نهادهای نظام، مثل شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام، و دیگر مباحث سیاسی و ... از جمله نقش احزاب سیاسی به رقابت سیاسی پرداختند (اکبری، ۱۳۸۸: ۷۲-۷۰).

### اهداف تأسیس حزب جمهوری اسلامی

هدف از پیدایش و جهت گیری فکری و سیاسی تشکیل دهندگان حزب سیاسی جمهوری اسلامی را می‌توان اینگونه بیان کرد:

- (۱) سازمان بخشیدن به نیروهای پراکنده به وسیله تشکیلاتی فراگیر و منسجم؛
- (۲) تأمین نیروهای مورد نیاز نظام تازه تأسیس: این هدف با بررسی تجربه‌های تاریخی حاصل از وقوع نهضت‌ها و جنبش‌های صدساله معاصر ایران و پیامدهای آن نهضت‌ها به دست آمده است؛ چراکه از نظر بنیان گذاران حزب جمهوری اسلامی در همه نهضت‌های معاصر ایران، روحانیت و نیروهای مذهبی در پیدایش و پیشبرد حرکت‌های سیاسی و اجتماعی پیش گام بوده‌اند

ولی نهضت‌های یادشده، پس از پیروزی، به انحراف از اهداف اولیه دچار شدند که دلیل عمده آن، عدم تشکل نیروهای مذهبی و انزوای آنان پس از موفقیت نهضت‌های معاصر بوده است.

۳) جلوگیری از تکرار تجربه نهضت مشروطیت و نهضت ملی کردن صنعت نفت در کنارزدن روحانیت و نیروهای مذهبی از سیاست‌گذاری‌های کلان کشور؛

۴) تداوم حرکت انقلاب اسلامی؛

۵) مبارزه با ضدانقلاب: هیئت مؤسس حزب، پیش از اعلام موجودیت آن، اصل تأسیس حزب را با امام خمینی در میان گذاشته و موافقت ضمنی ایشان را اخذ کرده بودند (رضوی، ۱۳۷۶: ۱۶۵).

در کنار این ضرورت اساسی، تربیت نیروهای کارآمد و همفکر و مقابله با حرکت‌های متشکل مخالفان از دیگر عوامل مهم تأسیس حزب بوده است. همچنین حزب جمهوری اسلامی دارای اصول و خط مشی بوده است که مهم‌ترین آن‌ها در شکل (۵) بیان شده است.



شکل ۵: اصول و خط مشی حزب جمهوری اسلامی (دارابی، ۱۳۸۸: ۱۶۳)

### اهداف پژوهش

- ۱) دستیابی به نظر مردم درباره مهم‌ترین عوامل مؤثر در رأی دادن مردم به نامزدها
- ۲) بررسی دیدگاه مردم اعم از نویسندگان، علما، مردم عامه و... نسبت به احزاب سیاسی
- ۳) دستیابی به نظر مردم درباره میزان توجه احزاب و گروه‌های سیاسی به خواسته‌های مردم
- ۴) دستیابی به نظر مردم درباره مفید یا ناکارآمد بودن احزاب سیاسی در ایران

### ۳- روش‌شناسی

پژوهش حاضر به روش توصیفی- کیفی و مبتنی بر روش‌شناسی تفسیری می‌باشد. جمع‌آوری اطلاعات نیز به روش کتابخانه‌ای- اسنادی و متکی بر یافته‌های تحقیق کتابخانه‌ای مانند:

- استفاده از مراکز اسناد و کتابخانه‌های دانشگاهی و سازمان‌های دولتی، به منظور بررسی پایان‌نامه‌های تحصیلی مرتبط، طرح‌های تحقیقاتی با موضوع، کتب و...

- استفاده از آمار و اسناد آرشیو سازمان‌های ذی ربط.  
- استفاده از آمارها، مقالات، گزارشات، کتب معتبر فارسی و لاتین و مطالب موجود در پایگاه‌های اطلاعاتی اینترنتی در خصوص موضوع مورد تحقیق می‌باشد.

#### ۴- بحث و نتیجه گیری

وجود احزاب سیاسی در جامعه یک نیاز ضروری و اساسی تلقی می‌گردد به طوری که هم دولت و هم جامعه نیاز به حزب دارد. علت اینکه جامعه نیاز به حزب دارد این است که امروزه خواسته‌های گروه‌ها و اقشار متفاوت شده است و درکشان از نیازهای طبقاتی‌شان افزایش پیدا کرده است برای اینکه بتوانند این نیاز طبقاتی‌شان را به سیستم سیاسی افزایش بدهند و چون تحصیلاتشان افزایش پیدا کرده و آگاهی آن‌ها بیشتر شده به قالب تشکیلاتی که اسمش را حزب می‌گذاریم تبدیل می‌شوند. دولت نیز احساس می‌کند که بدون حزب قابلیت تداوم ندارد. دولت‌ها نیاز به این دارند که با جامعه ارتباط داشته باشند یکی از این ارتباطات حزب است. لذا مشارکت‌ها هم که در قالب حزب صورت می‌گیرد، دموکراتیک‌تر خواهد بود. البته احزاب سیاسی گاهی در ایفای وظایف و کارکردهای خود با مشکلاتی مواجه می‌شوند که این مسائل از عوامل متعدد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و کارکرد نخبگان سیاسی و حزبی نشأت می‌گیرند. مردم نیز در طول چند دهه گذشته با توجه به عملکردهای مختلف احزاب در کشور، دیدگاه‌های متفاوتی نسبت به آن‌ها پیدا کرده‌اند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، احزاب و گروه‌های متعددی در عرصه سیاسی- اجتماعی ایران ظاهر شدند و نیروهای خفته و فعالیت‌های زیرزمینی، عرصه مناسبی را برای پویا شدن خود مشاهده کردند. در این دوران احزاب سیاسی نقش موثری در افزایش آگاهی و رشد افکار سیاسی مردم داشتند، به همین دلیل مردم احساس نزدیکی بیشتری با آن‌ها می‌کردند از این رو، در این دوران، احزاب و گروه‌های سیاسی متعدد و متنوع رشد کردند و نقش نسبتاً فعالی نیز در عرصه سیاسی- اجتماعی کشور ایفا کردند. در این دوران نقد قدرت و امکان انتقاد از آن و پی‌گیری مطالبات مردم و لزوم پاسخ گو بودن قدرت با حضور احزاب محقق شد.

#### منابع

۱. اخوان کاظمی، بهرام، (۱۳۷۸)، احزاب، ثبات سیاسی و امنیت ملی، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره چهارم.
۲. اخوان کاظمی، بهرام، (۱۳۸۸)، علل ناکارآمدی احزاب سیاسی در ایران، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۳. اداره کل تشکل‌های سیاسی وزارت کشور، (۱۳۸۷)، مشخصات تشکل‌های سیاسی (www.moi.ir)
۴. اشرفی، اکبر، (۱۳۹۵)، مطالعه علل توقف فعالیت‌های حزب جمهوری اسلامی از منظر جامعه‌شناسی احزاب سیاسی، فصلنامه علمی- پژوهشی جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، دوره ۴، شماره ۱.
۵. اکبری، کمال، (۱۳۸۸)، نقش احزاب در سیاست‌های پس از انقلاب اسلامی، فصلنامه علوم سیاسی، سال دوازدهم، شماره ۴۷.
۶. باقری خوزانی، محمدحسین، (۱۳۸۳)، تحزب در ایران: آسیب‌شناسی تحزب در ایران، سخنرانی در مجمع عمومی خانه احزاب ایران.
۷. بشریه، حسین، (۱۳۷۶)، جامعه‌شناسی سیاسی، تهران، انتشارات نی.
۸. بشیریه، حسین، (۱۳۷۵)، جامعه‌شناسی سیاسی (نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی)، تهران، انتشارات نی.
۹. پیشه‌ور، احمد، (۱۳۸۵)، احزاب سیاسی: تولد و ساختار، فصلنامه تخصصی جامعه‌شناسی، سال دوم، شماره ۳.
۱۰. دارابی، علی، (۱۳۸۸)، جریان‌شناسی سیاسی در ایران، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۱. رضوی، مسعود، (۱۳۷۶)، هاشمی و انقلاب: تاریخ سیاسی ایران از انقلاب تا جنگ، تهران، انتشارات همشهری.
۱۲. زیباکلام، صادق، مقتدایی، مرتضی، (۱۳۹۳)، احزاب سیاسی و نقش آن در توسعه سیاسی ایران: مطالعه موردی انتخابات، فصلنامه علوم سیاسی، سال دهم، شماره ۲۹.

۱۳. عالم، عبدالرحمن، (۱۳۸۲)، بنیادهای علم سیاست، تهران، انتشارات نی.
۱۴. علمداری، کاظم، (۱۳۸۵)، معمای ناپایداری احزاب، نشریه نامه سیاسی-فرهنگی، شماره ۵۱.
۱۵. عیوضی، محمدرحیم، (۱۳۸۵)، مشارکت سیاسی در جمهوری اسلامی ایران، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۶. فاضلی، اشرف، عنایتی شبکلایی، علی، نجف زاده، مهدی، (۱۳۸۸)، بررسی نگرش مردم نسبت به احزاب سیاسی در ایران، فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی، سال شانزدهم، شماره ۱.
۱۷. فروند، ژولین، (۱۳۸۴)، سیاست چیست؟، ترجمه عبدالوهاب احمدی، تهران، انتشارات آگه.
۱۸. قاضی مرادی، حسن، (۱۳۸۵)، استبداد در ایران، تهران، انتشارات اختران، جلد دوم.
۱۹. کلاپواسمیت، برایان، (۱۳۸۰)، فهم سیاست جهان سوم، ترجمه از امیر محمد حاجی یوسفی و محمد سعید قائنی نجفی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی بین‌المللی وزارت امور خارجه.
۲۰. مدنی، جلال‌الدین، (۱۳۷۲)، مبانی و کلیات علم سیاست، تهران، انتشارات چاپ اسلامی.
۲۱. مسعودنیا، حسین، نجفی، داوود، (۱۳۹۰)، احزاب و توسعه سیاسی در ایران: چالش‌ها و راهکارها، مجله علمی تخصصی پژوهش‌های سیاسی، سال اول، شماره ۲.
۲۲. نقیب زاده، احمد، (۱۳۷۸)، حزب سیاسی و عملکرد آن در جوامع امروز، تهران، انتشارات دادگستر.
۲۳. هانتینگتون، سموئل، (۱۳۷۰)، سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علم.

24. Beyme, K. (1985). Political parties in western democracies. London: Gower, Alder shot.
25. Fukuyama. Francis (1995), Trust: the social virtues and the creation of prosperity, New York, Free Press.
26. Lapalombara, J. & Anderson, J. (1992). Political parties, in Encyclopedia of Government and Politics. London: Rutledge.
27. Lapalombara, J. & Weiner, M, (eds). (1966). Political parties and Political development. New jersey: Princeton university press.
28. Putnam, Robert (1993) Making Democracy Work: Civic Traditions in Modern Italy, Princeton, Princeton University Press.
29. Roskin, M.G. (1998). political science: an introduction. New jersey: prentice hall.
30. Uslaner, Eric m. (2004), political parties and social capital, political parties or social capital, Handbook of political parties, London:sage publication.

# A Survey on People's Attitudes towards Political Parties in Iran

Qasem Ramezani

*Ph.D. Student of Political Science*

---

## **Abstract**

Parties in a society can act in different ways. Occasionally, party functions place themselves in the development and development of the country and respect for the opinions and thoughts of the people, sometimes they may only act to gain power. Political parties also play an important role in influencing power and role in the political and social arena of democratic and democratic regimes. Therefore, people's attitude towards parties is affected by their work in society. This paper examines the attitudes of the people towards political parties and also attempts to explain the background and different functions of the parties in the country. This qualitative research is done by the library method.

**Keywords:** People's Attitudes, Political Parties, Iran, History of Political Parties, Functioning Parties.

---